

تحلیل محتوای کتابهای دین و زندگی دوره متوسطه با تأکید بر شاخصهای تربیتی در برنامه درسی ملی

فاطمه عابدی*

دکتر مرتضی منادی**

دکتر ملوک خادمی***

دکتر علیرضا کیامنش****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل کتابهای درسی دین و زندگی پایه دوم و سوم دوره متوسطه دوم با تأکید بر میزان توجه به شاخصهای تربیتی در برنامه درسی ملی اجرا شده است. روش پژوهش توصیفی و از نوع پژوهش کیفی و رویکرد پژوهش کاربردی بود. جامعه پژوهش، کتابهای دین و زندگی دوره متوسطه در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴، بود که به صورت هدفمند کتابهای دین و زندگی پایه دوم و سوم دوره متوسطه به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، نمون برگ تحلیل محتوای کتابهای درسی بر مبنای شاخصهای تربیتی مندرج در برنامه درسی ملی بود. برای استخراج اطلاعات، از روش تحلیل محتوای توصیفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد: ۱. کتابهای دین و زندگی ۲ و ۳ دوره متوسطه دوم، بر اساس سه مضمون کلی شناخت و معرفت، گرایشها و تمایلات، و عمل و رفتار، منطبق با برنامه درسی ملی نگاشته شده است. ۲. تعداد کل مؤلفه‌های مفهومی کتابهای دین و زندگی پایه دوم و سوم در مجموع ۷۰۹ فراوانی بود که از این تعداد پایه دوم ۳۱۳ و پایه سوم ۳۹۶ فراوانی را به خود اختصاص داده بودند. ۳. از مجموع مؤلفه‌های مفهومی کتابهای بررسی شده، بیشترین توجه مربوط به مؤلفه‌های محور شناخت و معرفت با ۲۲۵ فراوانی و کمترین توجه مربوط به مؤلفه‌های محور گرایشها و تمایلات با ۸۷ فراوانی بود. از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که اهتمام ویژه مؤلفان کتاب دین و زندگی، افزایش شناخت افراد نسبت به اصول اساسی و فروع دین است و به بحث گرایشها و تمایلات و عمل به فرامین، توجه چندانی نشده است.

کلید واژگان: تحلیل محتوا، کتاب دین و زندگی، شاخصهای تربیتی، برنامه درسی ملی

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۱۶

f.abedi2455@gmail.com

* دانش آموخته دوره دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول)

mortezamonadi@gmail.com

** دانشیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء (س)

khademim@yahoo.com

*** دانشیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء (س)

kiamanesh@khu.ac.ir

**** استاد تحقیق و ارزشیابی، دانشگاه خوارزمی

مقدمه

بر اساس برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای جهانی‌بینی اسلامی استوار است، محتوای آموزشی باید «مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و تربیتی و سازوار با آموزه‌های دینی و قرآنی، مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از فرستها و تجربیات یادگیری باشد که زمینه شکوفایی فطرت الهی، رشد عقلی و فعلیت یافتن عناصر و عرصه‌ها را به صورت پیوسته فراهم آورد» (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۲). در هدف‌گذاری عناصر و عرصه‌های آموزشی، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون مختلف حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است (همان: ۱۵) که با شاخصهایی معین می‌شود. این شاخصها در هر یک از مکاتب تربیتی با توجه به دیدگاه آن مکتب نسبت به انسان و اهداف تربیتی تدوین می‌شوند. مثلاً «در مکتب رفتارگرایی، هدف، بررسی رفتار آشکار موجودات زنده است و انسان را نیز همچون دیگر موجودات زنده می‌دانند. لذا رفتارگرایان هدف از تعلیم و تربیت را کسب یا تغییر رفتارهای مختلف می‌دانند» (سیف، ۱۳۷۲: ۲۰۵)، از سویی هم شناخت‌گرایان توجه خود را معطوف به فرایندهای ذهنی کرده‌اند. از دیدگاه آنها رفتار، حاصل فرایندهای ذهنی است. «در این دیدگاه روان‌شناسان توجه را به وجه تمایز انسان از سایر حیوانات یعنی عقل، تفکر و سایر فرایندهای ذهنی معطوف داشته‌اند» (همان: ۲۰۵).

«در نظام تربیتی اسلام هدف از تربیت، رساندن انسان به مقام قرب الهی از طریق تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه و متوازن و متعادل بار آوردن انسان است تا بتواند متخلق به اخلاقی الهی و انبیاء و اولیاء شود» (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۸). بنابراین، هدف کلی از تربیت «خدائگونه شدن» و رسیدن به مرحله‌ای است که انسان محظوظ و مرضی خداوند متعال شود. جهت رسیدن به این هدف کلان، پیامبران ابتدا گرایش‌های فطری و حقیقت‌جویی را در انسانها بیدار می‌کردند و سپس با دادن شناخت و معرفت به انسانها زمینه عمل آگاهانه را فراهم می‌نمودند. یعنی بر اساس آموزه‌های قرآنی، سه محور (مفهوم) گرایشها و تمایلات، شناخت و معرفت (فرایندهای ذهنی) و رفتار از نظر اسلام دارای اهمیت است (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱). به گفته تاج‌الدین و پازارگادی (۱۳۹۲)، شناخت و تمایلات هر دو مقدمه رفتار هستند، اگرچه گرایشها به تنها یک نیز می‌توانند منجر به رفتار شوند ولی، رفتار عالمانه فقط با شناخت و بصیرت ممکن است.

در ارزیابی مکاتب ذکر شده، باید گفت که به نظر رفتارگرایان «هدف تعلیم و تربیت کسب رفتارهای مختلف است و پدیده‌های دیگر روان‌شناختی از جمله احساس، ادراک، اندیشه و سایر

فرایندهای ذهنی، در پرتو رفتار آشکار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. به همین جهت این روانشناسان یادگیری را تغییر در رفتار تعریف می‌کنند» (سیف، ۱۳۷۲: ۲۰۵). به گفته افروز، محدودیت این دیدگاه آن است که «توجهی به ذهن و فرایندهای آن و تمایلات، علاقه و انگیزه در افراد ندارد و تنها بر اساس رفتارهای شخص، در مورد ذهن یا نگرش او قضاوت می‌کند» (افروز، ۱۳۷۳: ۷۲).

شناخت‌گرایان، رفتار را به مثابه وسیله یا سر نخی برای استنباط و استنتاج پدیده‌های شناختی یا آنچه در ذهن انسان می‌گذرد مورد توجه قرار می‌دهند. به خلاف رفتارگرایان علاقه شناخت‌گرایان بیشتر معطوف به فرایندهای ذهنی است که به اعتقاد آنان رفتار ناشی از آنها است (تاجالدین و پازارگادی، ۱۳۹۲). از این رو «هدف تعلیم و تربیت برای شناخت‌گرایان تغییرات حاصل در فرایندهای درونی و ذهنی شخص است نه ایجاد تغییر در رفتارهای آشکار او» (سیف، ۱۳۷۲: ۲۰۶). این روانشناسان اگر چه به فرایندهای ذهنی که یکی از مبانی اصلی شکلگیری رفتار است، توجه دارند، ولی از تمایلات و علاقه غافل شده‌اند. از طرفی فرایندهای ذهنی به راحتی قابل سنجش و اندازه‌گیری نیستند. مکتب اسلام از جهتی مشابه رفتارگرایان و شناخت‌گرایان و از جهتی با آنان متفاوت است. چون اسلام هم به رفتارهای عینی و هم به فرایندهای ذهنی توجه دارد و این دو را با تمایلات و انگیزه‌ها نیز آمیخته می‌کند (باقری، ۱۳۷۹).

از دیدگاه دانشمندان اسلامی، استدلال عقلی و اقامه برهان اگرچه می‌تواند بعد شناختی دین (اعم از شناخت خداوند، جهان، انسان و معاد و ...) را بهبود بخشد و به استحکام آن کمک کند اما به تنهایی انسان را به انجام دادن عمل و تکالیف دینی و التزام به بایدهای دین ملزم نمی‌کند. بنابراین آنچه رفتار را شکل می‌دهد تنها لایه‌ها و فرایندهای ذهنی فرد که ناشی از علم و دانش اوست، نیست. بلکه هم معرفت و شناخت و هم علاقه، انگیزه و تمایل به انجام دادن کار، رفتار فرد را شکل می‌دهد (تاجالدین و پازارگادی، ۱۳۹۲). در مجموع می‌توان گفت تربیت مبتنی بر اسلام، مثلثی است که سه ضلع آن رفتار، فرایندهای ذهنی (معرفت و شناخت) و تمایلات و انگیزه‌هاست. هر سه ضلع این مثلث به منظور تربیت، لازم و مکمل یکدیگرند و جهت آنها هم به سمت توحید و یگانگی خداوند است (احمدی، ۱۳۷۴). به اعتقاد صاحب‌نظران و سیاستگذاران برنامه درسی ملی، شاخصهای محورهای یاد شده، برگرفته از آیات قرآن و سخنان ائمه (ع) است و عبارت اند از: «محور فرایندهای ذهنی (معرفت و شناخت) شامل شاخصهای علم و دانش، تفکر و تعقل، معرفت و بصیرت، نقد و ارزیابی؛ محور عمل و رفتار شامل شاخصهای تعهد و مسئولیت‌شناسی اجتماعی،

عفت و پاکدامنی، عمل‌گرایی، عبادت؛ و محور گرایشها و تمایلات شامل شاخصهای حب الهی و ولایت‌پذیری» (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۲۲–۱۵). اگرچه این شاخصها تحت سه محور دسته‌بندی شدند ولی کاملاً با هم‌دیگر مرتبط‌اند.

۱. علم و دانش: به طور خلاصه می‌توان علم را چنین تعریف نمود: «حضور شیء یا صورت آن نزد عالم. حضور خود شیء در علم حضوری است و حضور صورتش در علم حصولی» (کاردان، اعرافی، پاکسرشت، حسینی و ایرانی، ۱۳۸۲: ۴۱۸). بنابر تعریف دیگر، «علم نقطه مقابل جهل و به معنای وضوح و ثبوت چیزی آمده است» (مطهری، ۱۳۷۶: ۶۳). «در سوره طه آیه ۱۱۴ «وَقَلْ رَبُّ زَمْنِي عَلَمًا» به پیامبر اکرم (ص) امر می‌شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند و در آیات دیگر قرآن کریم مانند بقره آیه ۲۸۰، نحل آیه ۹۵ و... همواره کسانی که اهل علم و آگاهی نیستند، سرزنش می‌شوند و همین کاستی علت بسیاری از کاستی‌های دیگر شمرده می‌شود» (همان: ۶۳–۶۵).

۲. تفکر و تعلق: «اهل نظر فکر را قوه کوبنده علم به سوی معلوم و تفکر را کوشش این قوه بر حسب نظر عقل، زیر بنای حیات انسانی و شگفت‌انگیزترین اعمال ذهنی بشر معرفی کرده‌اند. تفکر به معنای رسیدن به مجھول و حل آن از طریق معلومات متناسب، در اسلام پایگاه ارزشمندی دارد» (مطهری، ۱۳۷۶: ۸۶). در اسلام، «اساس پذیرش دین تعلق، تفکر و انتخاب آگاهانه است و بر همین مبنای اصول دین تعبدی نیست» (سجادی، ۱۳۸۴: ۳۸). در قرآن تفکر و تعلق هدف فهم آیات الهی است. این شاخص در حکم یک شاخص زیربنایی است و اگر به آن توجه نشود، ریشه‌ها و بنیه اصلی تدین دچار فروکاهی و سستی خواهد شد. همچنین، قرآن کریم مردمان را به تدبیر و تأمل در آیات الهی فرا می‌خواند و کسانی را که بدون تعلق و ژرف‌اندیشی با آیات خدا برخورد می‌کنند مورد سرزنش قرار می‌دهد (باقری، ۱۳۷۹).

۳. معرفت و بصیرت: «بصیرت، نوعی به کارگیری عقل در مسیر هدایت انسان و استفاده از روشنگری آن است. در واقع بصیرت و بینش، نوری درونی است که شخص با آن نور، در میان مردم، زندگی می‌کند. چنان که قرآن کریم فرموده است: و جعلنا له نوراً يمشي به في الناس (اعلام: ۱۲۲) انسان به سیر بصیرت، راه را از بی‌راهه و حقیقت را از امر غیرحقیقی، بازمی‌شناسد، و نیز در گرفتن اطلاعات و داده‌ها، درست گزینی می‌کند و نیز در ارائه نظر و رای، درست‌گویی می‌کند و به فرموده امام علی (ع)، آنکه بصیرت و بینش نداشته باشد، رای او، نادرست و بی‌ارزش است» (داوودی، ۱۳۸۳: ۴۳).

۴. نقد و ارزیابی: «نقد به معنای جدا کردن خوب از بد و ظاهر ساختن عیوب یا محاسن کلام است» (فرهنگ عمید، ۱۳۶۳: ۱۱۶۷). از دیدگاه بازرگان (۱۳۸۳) ارزیابی عبارت است از مقایسه آنچه انجام شده با آنچه باید انجام گیرد، تا نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها مشخص گردد. قرآن کریم در سوره بقره (آیه ۱۷۰)، با اشاره به استدلال مشرکان، که پیروی روش پدرانشان را برای رد دعوت پیامبران مطرح می‌کنند، تلویحاً آنان را به بازنگری و ارزیابی روش و مسلک گذشتگان فرا می‌خواند که اگر روش آنان با معیارهای فطری و عقلی سازگار بود آن را پذیرند و الا نه. در سوره عبس (آیه ۲۴) نیز دقت و نگاه نقادانه در مهم‌ترین کارهای حیاتی انسان گوشزد می‌شود و نسبت به تبعیت و تقلید کورکرانه و محض از دیگران هشدار می‌دهد (بابایی، ۱۳۷۹).

۵. ولایت‌پذیری: «ولایت از ماده ولی به معنای قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد، یعنی اگر دو چیز، چنان به هم متصل باشند که هیچ فاصله‌ای در میان آنها نباشد، ولی، به کار بردۀ می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۶). خداوند در آیه ۵۹ از سوره نساء می‌فرماید: «يا أئيَّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أطْاعُوا اللَّهَ وَأطْاعُوا الرَّسُولَ وَأوْلَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» این آیه بیانگر آن است که یکی از خصوصیات تربیتی فرد مسلمان، پذیرفتن ولایت خداوند متعال، رسول اکرم (ص) و معصومین و کسانی است که در ویژگیها و خصوصیات اعتقادی و علمی و رفتاری در مسیر آن بزرگواران قرار دارند (مطهری، ۱۳۷۶). «ولایت‌پذیری به معنای زورپذیری و تسليم بی قید و شرط در برابر نظام حکومتی و حکومت‌کنندگان نیست، بلکه به معنای قبول حاکمیت علم و عدالت و مشارکت برای تحقق شایسته‌سالاری و اشراف نخبگان ذی صلاح بر زمام امور جامعه است» (ذوعلم، ۱۳۸۳: ۵۰).

۶. حب الهی: مطهری به نقل از کتاب «احیاء علوم الدین» غزالی حب و بغض را این گونه تعریف می‌کند: «حب به معنای میل طبع به شیء که در ادراکش لذت است و بغض به معنای نفرت طبع به شیء که در ادراکش درد، تعب و سختی نهفته باشد» (مطهری، ۱۳۷۸: ۷۵). «محبت راهی به سوی همشکلی و همسانی و طریقی برای دستیابی به کمال مطلوب است. بنابراین دوست داشتن نیازی اصیل برای آدمی است. آمیختگی فطرت انسان با محبت، دلیلی است بر وجود محبت در ذات اقدس الهی. زیرا نمی‌توان پذیرفت که محبت بدون آنکه در خداوند سبحان باشد آن را در آدمی به ودیعت بگذارد. به عبارت دیگر وقتی که خداوند به بنده‌ای از رحمت بیکران خود لطف می‌کند، در حقیقت او را مورد محبت خویش قرار داده است. برای یک فرد مسلمان، مهم‌ترین

شاخص رشد و تعالیٰ اخلاقی و تربیتی این است که محبوب خدا باشد و با رفتار و ویژگیهای خود حب الهی را به دست آورده باشد» (همان: ۷۹).

۷. تعهد و مسئولیت‌شناسی اجتماعی: از مهم‌ترین شاخصهای تربیت اسلامی، احساس وظیفه در برابر جامعه و توجه به تعهد و مسئولیت اجتماعی است. امر به معروف و نهی از منکر که برخاسته از رابطه برادری اسلامی و ولایت متقابل اعضای جامعه است و ضرورت حفظ و حراست از حدود الهی در جامعه که در آیات فراوانی از قرآن کریم ذکر شده است، اهمیت این شاخص را نشان می‌دهد (کشاورز، ۱۳۸۷). «اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند مسئول و متعهد می‌داند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسئول و متعهد می‌داند» (مطهری، ۱۳۶۱: ۶۶).

۸. عفت و پاکدامنی: رعایت موازین اخلاقی و شرعی از سوی زنان و مردان نامحرم در برخورد با یکدیگر، توجه به حریمهای متقابل و حرمتهای پاکدامنی و عفت در رفتار، نگاه، پوشش و ... (نور، آیات ۳۰ و ۳۱) از شاخصهای مهم تربیت دینی است.

۹. عمل‌گرایی: تربیت اسلامی مستلزم عمل‌گرایی و برخورداری از روحیه تلاش و فعالیت و مجاهدت در راه خداست. قرآن کریم در آیات ۱۵ حجرات و ۶۹ عنکبوت نتیجه بخش بودن قطعی مجاهدت در راه خدا را مورد تأکید قرار می‌دهد و کسانی را به راستی مسلمان می‌داند که با پشتونه و دستمایه ایمان و معرفت به جهاد و تلاش می‌پردازند. البته نگاه اسلام به عمل تنها جنبه کمی و فیزیکی آن نیست بلکه برخورداری از اخلاص و صداقت، روح عمل و عامل ارزش یافتن آن تلقی می‌شود (کشاورز، ۱۳۸۷).

۱۰. عبادت: عبادت یعنی «انجام دادن کاری به انگیزه و قصد تقرب الى الله». بنابراین روح عبادت و انگیزه اصلی آن قرب الهی است» (کارдан و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۱۹). عبادت در اصطلاح دو نوع است: «عبادت خاص و عبادت عام. نوع اول؛ صرفاً بر اعمال شرعی خاصی مانند نماز و روزه و حج و جهاد و ... اطلاق می‌شود و منظور از عبادت عام «هرگونه عملی است که به انگیزه قرب الهی انجام می‌گیرد» و مراد در اینجا همان معنای عام است که معنای اول را نیز در بر می‌گیرد» (همان: ۵۲۰). با توجه به آیه ۵۶ سوره ذاریات، هدف از آفرینش، عبادت و حقیقت عبادت هم «تقرب» است. در نتیجه تنها هدف آفرینش «قرب إلى الله» است، که در برنامه درسی ملی (۱۳۹۱)، در حکم اصلی‌ترین هدف در نظام آموزش و پرورش، بر آن تأکید فراوان شده است؛ به طوری که در سطح جهانی، آموزش و پرورش ایران در حکم یک نظام آموزشی دینی شناخته شده است. شاهد این مدعای پژوهش‌های متعدد در این زمینه است. برای نمونه در گزارش پژوهشی

موسسه بین المللی کاربستهای علوم^۱ (۲۰۰۷) با عنوان کتابهای درسی ایران، محتوا و زمینه، گزارش شده است که در تمام کتابها به طور مستقیم و غیرمستقیم به ارائه تعالیم مذهب شیعه اقدام شده است. گرویس و توپین^۲ (۲۰۰۶) با مطالعه‌ای درباره جایگاه صلح در کتابهای درسی ایران به این یافته دست یافتند که تأکید بر اسلام در تمام کتابهای درسی ایران وجود دارد. در پژوهش‌های دیگر مانند هیلر و هیلر^۳ (بی‌تا)، لوئیس^۴ (۲۰۰۸)، میجلی و آندرمان^۵ (۱۹۹۵) و ریبا^۶ (۱۹۹۷) اهمیت انتقال مفاهیم و ارزشها از طریق محتوای دروس (کتابها) بسیار مهم توصیف شده است.

اهمیت انتقال مفاهیم و ارزشها از یک سو و تناسب اهداف آموزشی با محتوای برنامه درسی از سوی دیگر، ضرورت انجام پژوهش‌هایی را که به بررسی و تحلیل محتوا بر اساس اهداف تعیین شده در برنامه درسی ملی می‌پردازند صدقه‌دان می‌کند؛ چرا که عدم تناسب میان اهداف تعیین شده و محتوای برنامه درسی، معلم و متعلم را در مسیر نادرست و ناهموار قرار می‌دهد و دستیابی به آرمانهای نظام آموزشی را غیرممکن می‌سازد.

از آنجا که توجه به اهداف و شاخصهای تربیت دینی مندرج در برنامه درسی ملی، از نظر تربیتی حائز اهمیت و دارای آثار و پیامدهای تربیتی و انسان‌سازی است، از این رو در این پژوهش، کتابهای درسی دین و زندگی دوره متوسطه دوم، بر اساس میزان توجه به این مقوله بررسی شده و تلاش شده است که از نظر جهت‌گیری مفاهیم، مضامین و پیامهای مربوط به اصل تربیت دینی، مورد تحلیل قرار گیرند. گفتنی است دوره متوسطه دوم از این نظر واحد اهمیت است که افاد در آن به سطوح بالایی از تفکر انتزاعی دست یافته‌اند و زمینه برای تربیت دینی مبتنی بر عقلانیت و خردورزی آنان بیشتر فراهم شده است. بنابراین هدف مورد نظر در این پژوهش، تحلیل محتوای کتابهای دین و زندگی دوره متوسطه دوم بر اساس شاخصهای تربیتی در برنامه درسی ملی بوده است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. به چه میزان در محتوای کتابهای درسی دین و زندگی ۲ و ۳ دوره متوسطه به مباحث مرتبط

با شاخصهای تربیتی مندرج در برنامه درسی ملی، توجه شده است؟

۲. میزان توزیع مؤلفه‌های شاخصهای تربیتی در محتوای کتابهای درسی دین و زندگی ۲ و ۳

دوره متوسطه چگونه است؟

1. Science Applications International Corporation (SAIC)

2. Groiss & Toobian

3. Hyler, E. & Hyler, L.

4. Lewis

5. Midgley & Anderman

6. Ryba

۳. به چه میزان در محتوای کتابهای درسی دین و زندگی ۲ و ۳ دوره متوسطه به محورهای مفهومی شاخصهای تربیتی مندرج در برنامه درسی ملی توجه شده است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به شیوه تحلیل محتواهای توصیفی است که با روش کدگذاری کوربین و اشتراوس^۱ (۲۰۰۸) انجام شده است. «تحلیل محتوا به عنوان یک فن پژوهش برای توصیف عینی، نظامدار و کمی محتواهای ارتباطی تعریف شده است» [گال، بورگ و گال (۱۹۸۹)، ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳۲] که می‌تواند رابطه متغیرها و شبکه ارتباطات را نه در سطح، بلکه در عمق مشاهده و بررسی کند (منادی، عابدی و طالب‌زاده، ۱۳۹۴). تحلیل محتوا تحلیلی نظامدار از متن است و کدگذاری در آن بر اساس مفاهیم و معانی مورد نظر و عملیاتی کردن متغیرها صورت می‌گیرد [گال، بورگ و گال (۱۹۸۹)، ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۸۳]. از این رو پژوهشگر به پالایش مفاهیم می‌پردازد و ارتباط موجود میان مفاهیم را به دست می‌آورد و از طریق کدگذاری یا طبقه‌بندی مفاهیم مورد نظر، به عملیاتی کردن بررسی محتوا دست می‌یابد. واحد تحلیل در این پژوهش، مضمون است. «مضمون واحدهای معنادار یک متن است» (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۳: ۱۳۴). به بیان دیگر، «مضمون، پیامی خاص است که از جانب فرستنده پیام مورد توجه است» (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۳۰۵). بنابراین، در این پژوهش، تمام مضامینی که درباره اهداف تربیت دینی مندرج در برنامه درسی ملی، در کتابهای دین و زندگی وجود داشتند، فیش‌برداری شدند و به عنوان داده‌های پژوهش برای مرحله کدگذاری و شمارش آماده گردیدند. کدهای اولیه در هر درس، پالایش شدند و با توجه به سنتیت و تجانس هر کد با سایر کدها، در ذیل یک مفهوم کلان‌تر قرار گرفتند و این فرایند بارها تکرار شد تا پس از پالایشهای مکرر، کدهای اولیه که از نظر معنایی تشابه بیشتری با هم داشتند، به زیرمقوله و زیرمقوله‌ها نیز هر یک بر اساس تجانس مفهومی، به عنوان مقوله، سازماندهی شدند. به منظور روش‌سازی، مقوله‌بندی و رفع تنافضهای موجود در تفسیر، فرایند بازگشت مکرر به متن صورت گرفت. این فرایند به صورت نمونه در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱: نمونه ای از فرایند پالایش و طبقه بندی مفاهیم

| عنوان کتاب | متن کتاب | مفهوم اولیه | مفهوم فرعی | مفهوم کلی | ضمون اصلی |
|--------------------------------|--|--|---|--------------|-----------|
| درس ۲ سال سوم صفحه ۴۷-۳۶ | - دین مجموعه دستورات برای راهنمایی و هدایت رسولان مسئول ابلاغ دین به مردم - ارسال رسولان با یک دین واحد - یکسان بودن محتوای اصلی دعوت رسولان - دین واحد معلول فطرت مشترک انسانها - تفاوت تعالیم پامبران در برخی احکام فرعی - لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته آن علت آمدن رسولان متعدد - تبلیغ دائمی و مستمر لازمه استقرار و ماندگاری پام - رشد تدریجی فکر و اندیشه مردم لزوم آمدن پامبران متعدد - فراموشی تعلیمات ناشی از عدم کتابت و سطحی بودن فرهنگ - ادبیان گوناگون معلول جاذبه‌بی رهبران دینی - لزوم تصدیق هر پامبر از سوی پامبر پیش و پس از خودش - وحی، عصمت و اعجاز ویژگیهای پامبران - وحی به معنی القای معانی و معارف به قلب پامبر - اعجاز نشانه و علامت نبوت - انجام کامل مسئلیت مستلزم داشتن عصمت - عصمت یعنی خطابنپذیری به صورت عمدى یا سهوى - امکان انحراف در تعالیم الهی در نبود عصمت - از بین رفتن عوامل تکرار نبوت علت ختم رسالت - رشد عقلی ایجاب کننده دریافت یک برنامه کامل - بی نیازی قرآن از تکمیل و تصحیح - ادامه نقش پامبری به جز دریافت وحی از طریق امام - پیش‌بینی راههای پاسخ‌گوینی به نیازهای زمانه - توجه به نیازهای متغیر در عین توجه به نیازهای ثابت - خاصیت اطباق و تحرک در مقررات اسلامی - قاعده کلی در اسلام؛ ضرر دیدن و ضرر رساندن ممنوع - قاعده قرار ندادن در تنگی و اضطرار در دین - اختیارات حکومت اسلامی راهی برای پیش‌بینی نیازهای جدید | - دین مجموعه دستورات برای راهنمایی و هدایت - تشریعی - هدایت - داشتن نوعی خاص از هدایت - به خاطر ویژگی خاص انسان - یکسانی تعالیم الهی نشأت گرفته از فطرت مشترک - پامبران متعدد - پامبران برای ابلاغ دین واحد - الهی - استمرار تبلیغ لازمه ماندگاری پام - فراموشی - ختم - رسالت - وحی، اعجاز و عصمت ویژگیهای اساسی پامبران - دین اسلام - پایان‌بخش رسالت - انبیا - بیان قواعد کلی و تعالیم اصولی در قرآن - تعریف‌نپذیری قرآن | - هدایت - تشریعی - ویژگیهای اساسی پامبران - دین واحد - الهی - فراموشی | - نبوت نشانی | |

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، کتابهای دین و زندگی دوره متوسطه دوم بودند که به طور

هدفمند کتابهای دین و زندگی ۲ و ۳ مورد بررسی قرار گرفتند.

ابزار گردآوری داده‌ها، نمون بروگ تحلیل محتوای کتابهای درسی بر مبنای شاخصهای تربیتی مندرج در برنامه درسی ملی بود که سند مکتوب آن در سال ۱۳۹۱ به تصویب شورای انقلاب فرهنگی رسیده است. با توجه به نتایج بررسی و تحلیل، در این فرم، سه مؤلفه (یا محور) اصلی در

زمینه مفاهیم مرتبط با مقوله تربیت دینی تعیین شده که عبارت‌اند از: الف) دانش، معرفت و شناخت نسبت به خود، خدا و هستی ب) گرایشها و تمایلات ج) عمل و رفتار. برای هر کدام از این سه مؤلفه (یا محور)، مؤلفه‌های فرعی دیگری نیز تعیین شده که عبارت‌اند از:

۱. دانش، معرفت و شناخت: خداشناسی، خودشناسی، نبوت‌شناسی، امام‌شناسی، معادشناسی، حکومت اسلامی، شناسایی هدف خلقت، چرایی و لزوم هدایت، انواع هدایت، فرجام هستی، قدرت تمییز حق از باطل، آشنایی با احکام

۲. گرایشها و تمایلات: عشق و محبت به خالق، اعتماد و توکل، عزت نفس، اراده و تصمیم، گرایش به دین، پایبندی درونی

۳. عمل و رفتار: عبادات (نماز، روزه، انفاق، ...)، امر به معروف و نهی از منکر، عفاف و حجاب، کار و تلاش، قانون‌مداری، تشکیل خانواده، تربیت فرزند، مشارکت و همکاری اجتماعی

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، نمون برگ یا فهرست مؤلفه‌های مربوط به سه مؤلفه اصلی مرتبط با مقوله شاخصهای تربیتی بوده است که منطبق بر برنامه درسی ملی آموزش و پژوهش است (۱۳۹۱). واحدهای تحلیل در کتابهای درسی، مفهوم، مضمون یا کلمه هستند که با خواندن محتوای کتابها، هر عبارتی را که حاوی مفهوم، مضمون یا کلمه مربوط به هر کدام از مؤلفه‌های، مشخص و فراوانی آنها شمارش شده، سپس با گزارش فراوانی و درصد آنها، مورد پردازش و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

در این قسمت، نتایج بررسی پرسش‌های پژوهش به تفکیک در سه بخش توضیح داده شده است.

نتایج پرسش اول پژوهش: به چه میزان در محتوای کتابهای درسی دین و زندگی ۲ و ۳ دوره متوسطه به مباحث مرتبط با شاخصهای تربیتی مندرج در برنامه درسی ملی، توجه شده است؟

جدول ۲: نتایج تحلیل محتوای کتابهای دین و زندگی دوره متوسطه از نظر توجه به شاخصهای تربیتی به تفکیک محور، مؤلفه و پایه

| محورها | مؤلفه‌ها | مجموع | | | | | | | |
|--------|-----------|---------|-------|----------|------|---------|------|----------|---------|
| | | فراءانی | درصد | پایه سوم | درصد | فراءانی | درصد | پایه دوم | فراءانی |
| | خداشناسی | ۱۳ | % ۱,۸ | - | - | % ۴ | ۱۳ | | |
| | خودشناسی | ۱۴ | % ۲ | - | - | % ۴,۵ | ۱۴ | | |
| | معادشناسی | ۴۸ | % ۶,۸ | - | - | % ۱۵,۳ | ۴۸ | | |

| | | | | | | |
|--------|-----|--------|-----|--------|----|----------------------------|
| % ۸,۵ | ۶۰ | % ۱۵,۵ | ۶۰ | - | - | نبوت شناسی |
| % ۲۰,۳ | ۱۴۲ | % ۳۶,۷ | ۱۴۲ | - | - | امام شناسی |
| % ۴,۱ | ۲۹ | % ۷,۵ | ۲۹ | - | - | حکومت اسلامی |
| % ۱,۵ | ۱۱ | - | - | % ۳,۵ | ۱۱ | دانش، معرفت و شناخت |
| % ۲,۵ | ۱۸ | - | - | % ۵,۷ | ۱۸ | چرایی و لزوم هدایت |
| % ۱,۴ | ۱۰ | - | - | % ۳,۱ | ۱۰ | شناخت انواع هدایت |
| % ۶,۴ | ۴۵ | - | - | % ۱۴,۳ | ۴۵ | فرجام هستی |
| % ۲,۸ | ۲۰ | % ۳,۱ | ۱۲ | % ۲,۵ | ۸ | شناخت حق از باطل |
| % ۲,۱ | ۱۵ | - | - | % ۴,۸ | ۱۵ | آشنایی با احکام |
| مجموع | | | | | | |
| % ۰,۷ | ۵ | - | - | % ۱,۶ | ۵ | عشق و محبت به خالق |
| % ۰,۸ | ۶ | - | - | % ۱,۹ | ۶ | اعتماد و توکل |
| % ۴,۴ | ۳۱ | % ۶,۲ | ۲۴ | % ۲,۲ | ۷ | عزت نفس |
| % ۱,۵ | ۱۱ | % ۱,۵ | ۶ | % ۱,۶ | ۵ | اراده و تصمیم |
| % ۱,۵ | ۱۱ | % ۱,۵ | ۶ | % ۱,۶ | ۵ | گرایش به دین و تمایلات |
| % ۱,۴ | ۱۰ | % ۱ | ۴ | % ۱,۹ | ۶ | پایبندی درونی |
| % ۱,۸ | ۱۳ | % ۱,۸ | ۷ | % ۱,۹ | ۶ | حق طلبی |
| مجموع | | | | | | |
| % ۱۲,۴ | ۸۷ | % ۱۲,۱ | ۴۷ | % ۱۲,۷ | ۴۰ | عبدات (نماز، روزه، افاق..) |
| % ۴ | ۲۸ | - | - | % ۸,۹ | ۲۸ | امریه معروف و نهی از منکر |
| % ۱,۵ | ۱۱ | - | - | % ۳,۵ | ۱۱ | عفاف و حجاب |
| % ۳,۲ | ۲۳ | - | - | % ۷,۳ | ۲۳ | کار و تلاش |
| % ۰,۸ | ۶ | - | - | % ۱,۹ | ۶ | قانون‌مداری |
| % ۳,۲ | ۲۳ | % ۳,۱ | ۱۲ | % ۳,۵ | ۱۱ | عمل و رفتار |
| % ۱۱,۴ | ۸۰ | % ۲۰,۷ | ۸۰ | - | - | تشکیل خانواده |
| % ۲ | ۱۴ | % ۳,۶ | ۱۴ | - | - | تریبیت فرزند |
| % ۱,۷ | ۱۲ | - | - | % ۳,۸ | ۱۲ | مشارکت و همکاری اجتماعی |
| % ۲۸,۱ | ۱۹۷ | % ۲۷,۴ | ۱۰۶ | % ۲۹ | ۹۱ | مجموع |

مجموع فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده در کتاب دین و زندگی پایه دوم متوسطه ۳۱۳ مورد است که از میان شاخصهای تربیتی تحلیل شده این کتاب، بیشترین توجه به محور شناخت با ۱۸۲ فراوانی و ۱۴٪ بوده و کمترین توجه به محور گرایشها و تمایلات با ۴۰ فراوانی و ۱۲٪ بوده است. همچنین، از میان مؤلفه‌های مفهومی محور شناخت، بیشترین توجه به مؤلفه معادشناسی با ۴۸٪ است. فراوانی و ۱۵٪ و کمترین توجه به مؤلفه شناخت حق از باطل با ۸٪ فراوانی و ۲٪ بوده است. شیوه ارائه مطلب به این شکل است که درسها با پرسش‌هایی آغاز می‌شوند، سپس با توجه به بحث مورد نظر، آیاتی از قرآن آورده می‌شود. مثلاً در درس‌های معادشناسی پرسش‌هایی مانند جهان رهسیار چه هدفی است؟ آینده زندگی انسان چگونه است؟ آیا نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی

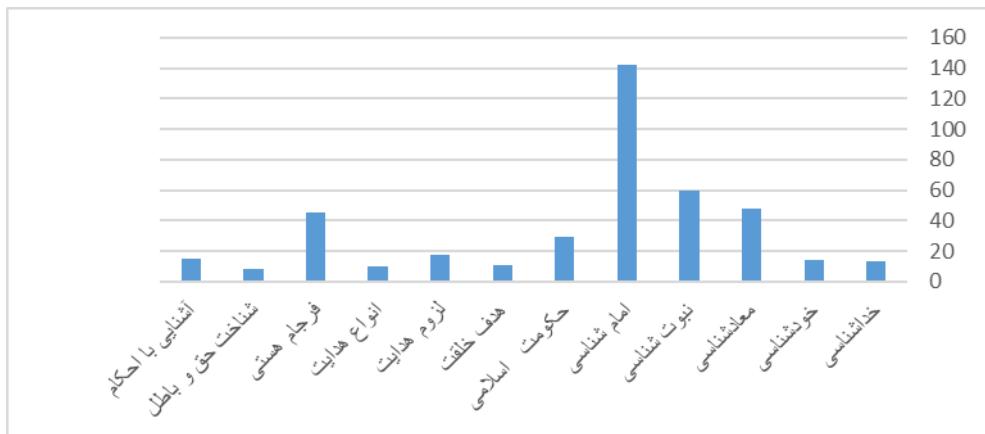
است؟ و مطرح می‌شود و با کمک آیات قرآنی، پاسخ آنها به شیوه‌ای انتزاعی داده می‌شود. شایان ذکر است که برخی از درسها با مثالی عینی، ذهن دانشآموز را به تفکر و تعقل درباره موضوع مورد نظر هدایت می‌کنند، مثلاً در کتاب دین و زندگی پایه دوم، برای اینکه به خواننده لزوم وجود خالق اثبات شود از دست سازهای بشری مثالهایی بیان می‌شود تا توجه خواننده را به این مسئله جلب کند که چگونه ساختهای ساده دست بشری نیاز به خالق دارند ولی جهان به این عظمت، نیاز به خالق ندارد؟ این شیوه بیان مطالب، اگرچه فقط در یک درس به کار رفته، اما روشی مناسب برای ایجاد حس کنجکاوی در دانشآموز است تا او با دانشی که درباره پدیده‌های هستی کسب می‌کند، به پردازش موضوع مذکور بپردازد و به لزوم وجود خالق در نظام هستی پی ببرد.

مجموع فراوانی مؤلفه‌های مفهومی تحلیل شده در کتاب دین و زندگی پایه سوم متوسطه ۳۹۶ مورد است که از میان شاخصهای تربیتی تحلیل شده این کتاب، بیشترین توجه به محور شناخت با ۲۴۳ فراوانی و ۶۳٪ بوده و کمترین توجه به محور گرایشها و تمایلات با ۴۷ فراوانی و ۱۲٪ بوده است. همچنین از میان مؤلفه‌های مفهومی محور شناخت، بیشترین توجه به مؤلفه امام‌شناسی با ۱۴۲ فراوانی و ۳۶٪ و کمترین توجه به مؤلفه شناخت حق از باطل با ۱۲ فراوانی و ۳٪ بوده است. در کتاب پایه سوم نیز شیوه ارائه مطالب به مانند پایه دوم است به این‌گونه که با پرسش‌هایی آغاز می‌شود مانند: طرح و برنامه خداوند برای جامعه اسلامی، پس از رحلت رسول اکرم (ص) چیست؟ این جامعه در چه مسیری و چگونه باید حرکت کند؟ رهبری این نظام در طول تاریخ آینده به عهده چه کسانی باید باشد؟ سپس با ارائه آیاتی از قرآن، به تدریج پاسخ مناسب ارائه می‌شود.

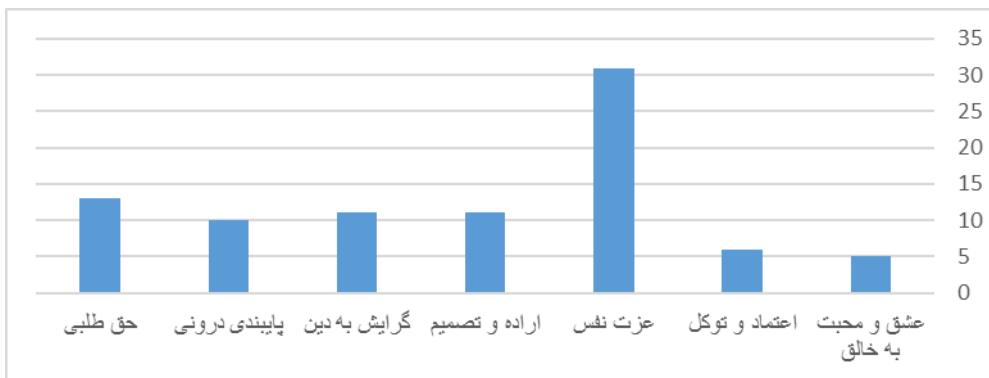
همچنان که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تعداد مؤلفه‌های کتاب دین و زندگی پایه دوم و سوم، ۷۰۹ فراوانی است که بیشترین کاربرد مربوط به محور شناخت با ۴۲۵ فراوانی و ۶۰٪ بوده است و کمترین توجه به محور گرایشها و تمایلات با ۸۷ فراوانی و ۱۲٪ بوده است. در محور شناخت بیشترین توجه اختصاص به مؤلفه امام‌شناسی با ۱۴۲ فراوانی و ۲۰٪ و کمترین توجه اختصاص به مؤلفه شناخت حق از باطل با ۲۰ فراوانی و ۲٪ دارد.

نتایج پرسش دوم پژوهش: میزان توزیع مؤلفه‌های شاخصهای تربیتی محور شناخت، محور تمایلات و گرایشها و محور عمل و رفتار در محتوای کتابهای درسی دین و زندگی ۲ و ۳ دوره متوسطه چگونه است؟

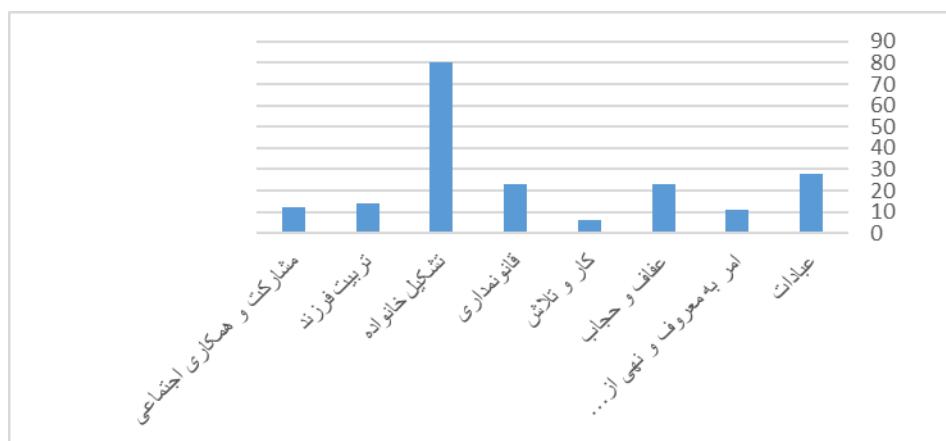
تحلیل کتابهای مورد بررسی نشان داد که از مجموع ۷۰۹ واحد شمارش شده مرتبط با شاخصهای تربیتی، مؤلفه امام‌شناسی با ۱۴۲ فراوانی و ۲۰/۳٪ بیشترین و مؤلفه انواع هدایت با ۱۰ فراوانی و ۱/۴٪ کمترین میزان توجه را داشته‌اند. همچنین، کمترین و بیشترین توجه به شاخصهای تربیتی در محور گرایی‌ها و تمایلات، به ترتیب؛ مؤلفه عشق و محبت به خالق با ۵ فراوانی و ٪۰/۷ و مؤلفه عزت نفس با ۳۱ فراوانی و ٪۴/۴ و در محور عمل و رفتار، بیشترین توجه به مؤلفه تشکیل خانواده با ۸۰ فراوانی و ۱۱/۴٪ و کمترین توجه به مؤلفه کار و تلاش با ۶ فراوانی و ٪۰/۸ بوده است. نحوه توزیع سایر مؤلفه‌ها در نمودارهای ۱ تا ۳ به تفصیل بیان شده است.



نمودار ۱: میزان توجه به مؤلفه‌های محور شناخت در محتوای کتابهای دین و زندگی دوره متوسطه بر اساس فراوانی



نمودار ۲: میزان توجه به مؤلفه‌های محور گرایی‌ها و تمایلات در محتوای کتابهای دین و زندگی دوره متوسطه بر اساس فراوانی



نمودار ۳: میزان توجه به مؤلفه‌های محور عمل و رفتار در محتوای کتابهای دین و زندگی دوره متوسطه بر اساس فراوانی

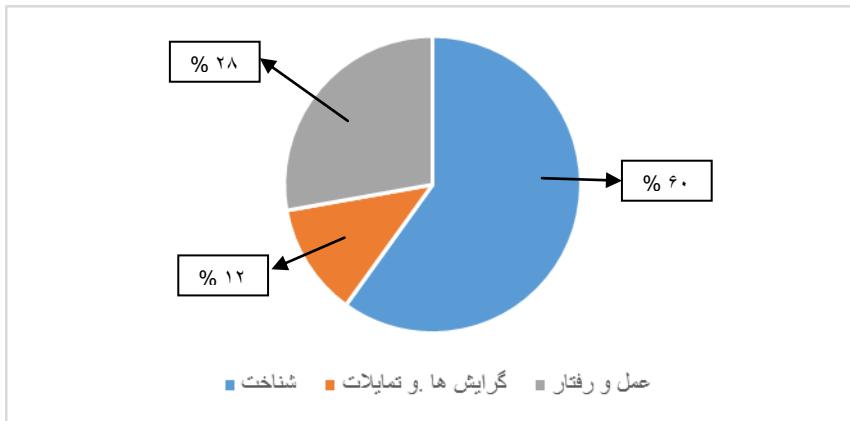
نتایج پرسش سوم پژوهش: به چه میزان در محتوای کتابهای درسی دین و زندگی ۲ و ۳ دوره متوسطه به محورهای مفهومی اهداف تربیت دینی مبتنی بر آموزه‌های قرآن توجه شده است؟ با توجه به تحلیل کتابهای مورد بررسی و نتایج جدول ۲، از مجموع ۷۰۹ فراوانی تحلیل شده، محور شناخت با ۴۲۵ فراوانی و ۶۰٪ بیشترین توجه و محور گرایشها و تمایلات با ۸۷ فراوانی و ۱۲٪ کمترین توجه را به خود اختصاص داده‌اند.

همان طور که در جدول ۳ و نمودار ۴ مشاهده می‌شود بخش اعظم محتوای کتاب دین و زندگی به شیوه توضیحی نگاشته شده است و به توضیح مفاهیمی چون خداشناسی، انسان‌شناسی، نبوت‌شناسی، امام‌شناسی و معادشناسی می‌پردازد. به عبارت دیگر، کتاب دین و زندگی بر محور اصول دین، تنظیم شده است به گونه‌ای که اطلاعات عمیق و کاملی از مباحث مطروحه را به جهت شناساندن این اصول به خواننده بیان می‌نماید. درسهای ۱ تا ۱۰ پایه دوم، مربوط به مباحث خداشناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی و درسهای ۱ تا ۱۲ پایه سوم مربوط به نبوت‌شناسی و امام‌شناسی است.

جدول ۳: نتایج تحلیل محتوای کتابهای درسی دین و زندگی دوره متوسطه در توجه به شاخصهای تربیتی بر حسب محورهای

مفهومی

| درصد فراوانی | فراوانی | محورهای مفهومی |
|--------------|---------|-------------------|
| %۶۰ | ۴۲۵ | شناخت و معرفت |
| %۱۲ | ۸۷ | تمایلات و گرایشها |
| %۲۸ | ۱۹۷ | عمل و رفتار |



نمودار ۴: میزان توجه به محورهای شاخصهای تربیتی در محتوای کتابهای دین و زندگی دوره متوسطه بر اساس فراوانی و درصد فراوانی

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که کتابهای دین و زندگی پایه دوم و سوم دوره متوسطه دوم، بر اساس سه محور یا مضمون کلی شناخت، تمایلات و گرایشها و عمل و رفتار نگاشته شده که منطبق با شاخصهای تربیتی مندرج در برنامه درسی ملی است. در توضیح این یافته می‌توان گفت تربیت مبتنی بر اسلام، مثلثی است که سه ضلع آن رفتار، فرایندهای ذهنی (معرفت و شناخت) و تمایلات و انگیزه‌های خداوند است (تاج الدین و پازارگادی، ۱۳۹۲). همچنین، جهت آنها هم به سمت توحید و یگانگی خداوند است (تاج الدین و پازارگادی، ۱۳۹۲). همچنین، یافته‌های پژوهش نشان دادند که بیش از ۶۰ درصد محتوای کتابها مربوط به محور شناخت است که مباحث مربوط به اصول اعتقادی دین را به گونه‌ای تفصیلی بیان می‌کند. به اعتقاد اندیشمندان با رشد فرایندهای ذهنی - معرفت و شناخت - خواستها و تمایلات انسان به گونه‌ای شکل می‌گیرند که سبب عمل و رفتار مبتنی بر بینش و بصیرت می‌شوند. یعنی با دادن شناخت و معرفت به انسانها می‌توان زمینه عمل آگاهانه را فراهم کرد. هر قدر انسان با معارف و آموزه‌های دینی و الهی و با محتوای پیام خداوند و قرآن کریم و گفتار و عمل و سیره معصومین بیشتر آشنا شود و به تفکر در اصول اعتقادی بپردازد، زمینه بصیرت و روشن‌بینی در دین بیشتر برای او فراهم می‌شود که پشتونه ای قدرتمند برای عمل گرایی افراد خواهد بود (طالبی، ۱۳۸۰). آنچه در زمینه این یافته قابل توجه است اینکه استدلال عقلی و اقامه برهان اگرچه می‌تواند بعد شناختی دین (اعم از شناخت خداوند، جهان، انسان و معاد و ...) را بهبود بخشد و به استحکام آن کمک کند اما به تنها یک

دانشآموزان را به انجام دادن عمل و تکالیف دینی و التزام به بایدهای دین ملزم نمی‌کند. اگرچه عقل، شناخت و معرفت پشتوانه‌ای استوار برای از بین بردن تردیدهای دینی هستند و از دینداری احساسی و تقليدی و بسیاری از آسیبهای دینداری پیشگیری می‌کنند، اما استدلالی عمل کردن دلیل بر وجود انگیزه درونی برای عمل نیست. لذا محتوای آموزشی باید ابتدا با فراهم کردن محیط مناسب و ارائه الگوهای تربیتی و ایجاد عادات نیک و بیدار کردن فطرتها، زمینه تربیت دینی را در متربی فراهم کند و سپس برای مستحکم کردن اعتقادات و از میان بردن تردیدها و پرهیز از دینداری سطحی دانشآموزان به مباحث عقلی و اقامه برahan پردازد. بنابراین آنچه رفتار را شکل می‌دهد تنها لایه‌ها و فرایندهای ذهنی فرد نیست که ناشی از علم و دانش است، بلکه هم معرفت و شناخت و هم علاقه، انگیزه و تمایل به انجام دادن کار، رفتار فرد را شکل می‌دهد (رجایی، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر مجموع فعالیتهای روانی، احساسات، افکار (ذهنی) و عواطف اند که رفتار و کردار هر فرد نمودار و ترجمان آن فعالیتهاست.

یافته‌های دیگر پژوهش نشان می‌دهند که کمتر از ۱۵ درصد محتوای کتابها به محور تمایلات و گرایشها تعلق دارد که با توجه به تأثیر تمایلات و گرایشها افراد در انجام دادن امور گوناگون، جای بحث و گفتگو دارد. نخست اینکه از دیدگاه روان‌شناسی، روح انسان علاوه بر بعد شناختی، بعد دیگری به نام بعد گرایشی دارد. بعد گرایشی تمایلاتی هستند که با روح انسان سرنشته شده‌اند. هر انسان ذاتاً از این گرایشها هرچند در حد بسیار ضعیف و نهفته بهره‌مند است و آنها را به گونه‌ای بدیهی احساس می‌کند. این تمایلات بر اثر عوامل خارجی و القایات محیط و جامعه و تربیت پدید نیامده‌اند (افروز، ۱۳۷۳). با توجه به اصالت ذاتی بعد گرایشی، مکتب اسلام به رفتارهای دینی و فرایندهای ذهنی توأم توجه دارد و این دو را با تمایلات و انگیزه‌ها می‌آمیزد. تأملی در روش تربیتی پیامبر اسلام مؤید این مطلب است. «ایشان در سنین پایین که شروع تربیت دینی است و بهره‌گیری از استدلال عقلانی (شناخت) ممکن نیست، به جای تکیه بر برahan و استدلال ابتدا بر عمل تکیه می‌کردد و با مهربانی و لطفت کلام، مردم را قلباً به دین متمایل می‌کردد و قبل از بحث و گفتگو درباره دین، فلسفه و فواید آن، دعوت به اقامه نماز می‌کردد (یعنی عمل توأم با ایجاد علاقه و انگیزه) و سپس باب بحث و گفتگو را می‌گشودند» (داودی ۱۳۸۳: ۱۰۵).

دوم اینکه یکی از گرایشها اصیل انسان، میل و محبت به خداست که از وی جدایی‌ناپذیر است، به طوری که می‌توان انسان را موجود متأله یا دین‌ورز نامید. خداوند انسان را با فطرت دینی

و الهی آفریده است و دگرگونی در آفرینش الهی وجود ندارد. اگر محبت و میل به خدا، آمیخته با وجود آدمی است، انگاک آن از وجود او امکان ندارد. البته ممکن است انسانها بر اثر شرایط محیطی نسبت به این میل فطری تا مدتی غافل باشند و یا در شناختن متعلق حقیقی آن خطأ کنند، ولی هنگام رفع مانع و هوشیاری، دوباره این میل تجلی می‌یابد و مصداق واقعی خود را نشان می‌دهد. از این رو، وظیفه پیامبران بیدار کردن و برانگیختن گنجینه‌های فطرت آدمی و به عبارتی هدایت و جهت بخشی درست گرایش دینی در انسان است (جوادی آملی، ۱۳۷۲). بنابراین، یکی از محورهای اساسی که در تألیف کتابهای دین و زندگی باید مورد توجه قرار گیرد، فراهم کردن شرایطی برای بیداری فطرت انسانی است که می‌تواند اعمال و رفتارهای انسان را تحت تأثیر قرار دهد. ملاحظه می‌شود که به این بعد از تربیت توجه چندانی نشده است.

یافته دیگری که در تحلیل محتوا به دست آمده، درصد پایین مفهوم کار و تلاش در کتاب دین و زندگی است که فراوانی آن شش بوده و تنها ۰/۸ درصد از کل مفاهیم کتاب را به خود اختصاص داده است. در حالی که در منابع دینی و اسلامی کار و تلاش، مانند جهاد در راه خدا، اجر و پاداش دارد و کسی که برای کسب روزی حلال فعالیت می‌کند، اگر در همان حال از دنیا برود، اجر شهید را خواهد داشت. به نظر می‌رسد بی توجهی به این بعد از زندگی اجتماعی انسان، می‌تواند تنبیه و بیکاری را در ذهن دانش‌آموز متبار کند که ممکن است پیامدی مانند دزدی از بیت‌المال، استفاده از رانتها و مسائل مشابه را در پی داشته باشد. از طرفی هم خبرهای اختلاس و صدھا نوع کلاهبرداری که در سطح جامعه رخ می‌دهد، ممکن است عواقب خطرناکی در پی داشته باشد و انگیزه تلاش و کوشش را در سنین نوجوانی تضعیف کند.

در مجموع از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که اهتمام ویژه مؤلفان کتاب دین و زندگی، افزایش شناخت افراد نسبت به اصول اساسی و فروع دین است و به بحث گرایشها و تمایلات توجه چندانی نشده و این در حالی است که شناخت و تمایلات هر دو مقدمه رفتارند و بی توجهی به هریک از آنها، بحث عملی شدن اصول و مفاهیم را خدشه‌دار می‌کند. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان اسلامی فرایندهای ذهنی (شناخت و معرفت) و انگیزه و تمایل به انجام دادن عمل، مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری رفتارند. هرچه شناخت و معرفت بیشتر شود حب الهی و گرایش‌های اصیل و فطری در انسان قوی‌تر می‌شوند و انسان را به سوی عمل صالح هدایت می‌کنند. نمود عینی تربیت در رفتار است، بنابراین اگر بخواهیم دانش‌آموزان ما تربیت اسلامی

داشته باشند، باید بر زیربنای رفتار یعنی معرفت و تمایلات و حب الهی تأکید کرد و محتوای کتابها را براین اساس نگاشت تا شاهد نمود شاخصهای تربیتی در رفتار دانشآموزان باشیم.

محدودیتهای پژوهش

برنامه درسی ملی ناظر بر همه کتابهای دوره‌های تحصیلی تعریف شده است. برای اینکه روند تألیف با توجه به این برنامه مورد تدقیق قرار گیرد لازم است همه کتابهای قرآنی و دینی در تمام سطوح تحصیلی مورد تحلیل قرار گیرند. در این پژوهش به سبب نداشتن زمان کافی (به دلیل دانشجو بودن پژوهشگر) و هزینه بالای پژوهش از سوی دیگر، امکان بررسی و تحلیل همه کتابها، در همه سطوح تحصیلی میسر نبوده است.

پیشنهادها

۱. تشکیل کمیته‌ای علمی‌تر و تخصصی‌تر با هدف بازندهی‌شی، بازآفرینی و بازسازی و تألیف بهتر کتابهای درسی دین و زندگی.
۲. بهره‌گیری از متخصصان برنامه‌ریزی درسی، فناوری آموزشی، متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت، کارشناسان دینی و مذهبی آشنا با رویکردهای آموزشی، روان‌شناسان و متخصصان در امر یادگیری و رشد به منظور انتخاب، تنظیم و سازماندهی محتوای جدید.
۳. کسب نظرات دیگران در زمینه برنامه‌های درسی، سرفصلها و تعديل آنها با نظرات متخصصان برنامه‌های درسی.
۴. آموزش غیرمستقیم اعمال و احکام دینی به روش داستان‌سرایی و قصه‌پردازی.

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۸۸). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: پارس کتاب.
- ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۸۳). فاسخه تربیت (رشته علوم تربیتی). تهران: دانشگاه پیام نور.
- احمدی، سید احمد. (۱۳۷۴). مفهوم تربیت دینی و راههای وصول به آن. در مجموعه خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت (صص. ۲۸-۲۹). تهران: معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۳). چکیده‌ای از روان‌شناسی تربیتی کاربردی. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- بابائی، احمدعلی. (۱۳۷۹). برگزیده تفسیر نمونه. تهران: چاپخانه حیدری.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۳). ارزشیابی آموزشی. تهران: سمت.
- باقری، خسرو. (۱۳۷۹). تربیت دینی در برابر چالش‌های قرن بیست و یکم. در مجموعه مقالات تربیت اسلامی، (جلد ۳)، (صص. ۳۱-۴۴). قم: مرکز تحقیقات تربیت اسلامی.
- تاج‌الدین، مرضیه و بازارگادی، مهرنوش. (۱۳۹۲). مؤلفه‌ها و شاخصهای تربیتی از دیگاه قرآن کریم. دانشنامه موضوعی قرآن. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). شریعت در آینه معرفت. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
- داودی، محمد. (۱۳۸۳). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع): تربیت دینی: قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه اسفند ۱۳۹۱. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- ذوعلم، علی. (۱۳۸۳). شاخصهای تربیت دینی از نگاه قرآن کریم. مجله رشد آموزش قرآن، ۲(۷)، ۴۷-۵۲.
- رجایی، حمید. (۱۳۸۹). آفرینندگی، تفکر جانی و باور دینی (درآمدی به تولید علم). اصفهان: شهر من.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۸). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سجادی، سیدمهدی. (۱۳۸۴). تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی: قابلیت‌ها و کاستی‌ها. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۴(۱۱)، ۲۶-۴۶.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). روانشناسی پژوهشی (روانشناسی یادگیری و آموزش). تهران: انتشارات آگاه.
- طلالی، محمدحسین. (۱۳۸۰). معرفت چیست؟ فصلنامه معرفت، ۵(۴۲)، ۶۸-۷۲.
- عمید، حسن. (۱۳۶۳). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
- کاردان، علی‌محمد؛ اعرافی، علیرضا؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر؛ حسینی، علی‌اکبر و ایرانی، حسین. (۱۳۸۲). فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: سمت.
- کشاورز، سوسن. (۱۳۸۷). شاخصها و آسیب‌های تربیت دینی. فصلنامه تربیت اسلامی، ۳(۶)، ۹۳-۱۲۲.
- کمال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۹۸۹). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران. (۱۳۸۳). تهران: انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). مجموعه آثار شهید مطهری. قم: صدرا.
- _____ (۱۳۷۶). انسان کامل. قم: صدرا.
- _____ (۱۳۷۸). ولاء‌ها و ولایتها. قم: صدرا.

منادی، مرتضی؛ عابدی، فاطمه و طالب‌زاده شوشتاری، لیلا. (۱۳۹۴). روش پژوهش کیفی کاربردی (در علوم اجتماعی و علوم انسانی). تهران: جامعه‌شناسان.

- Corbin, J.M., & Strauss, A.L. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (3rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Groiss, A., & Toobian, N. (2006). *The attitude to 'the other' and to peace in Iranian school book and teacher's guides*. Center for Monitoring the Impact of Peace. Available at <http://www.iranworldinstitute.org/pdf/IranFinal.pdf>
- Hyler, E., & Hyler, L. (n.d.). *Lifestyles: past, present, future. A unit to integrate economics in the junior high classroom*. Retrieved from <https://www.learntechlib.org/p/136015/>.
- Lewis, T. (2008). *Smart living: Lifestyle media and popular expertise*. New York, NY: Peter Lang Publishing.
- Midgley, C., & Anderman, L. H. (1995). Differences between elementary and middle school teachers and students: A goal theory approach. *Journal of Early Adolescence*, 15(1), 90-113.
- Ryba, R. (1997). *Education, democracy and development: An international perspective*. Dordrecht, Boston and London: Kluwer American Publishers.
- Science Applications International Corporation (SAIC). (2007). *Iranian textbooks: Content and context*. Available at <https://fas.org/irp/dni/osc/irantext.pdf>